

## مروری بر نقش معلم در فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

راحله سالاری<sup>۱</sup>، ملیحه ایرندگان<sup>۲</sup>، صفیه میربلوچ زهی<sup>۳</sup>، سمیه قادری<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی تربیت بدنی و علوم ورزشی، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان زاهدان. (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی زبان ادبیات فارسی، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان خاش.

<sup>۳</sup> کارشناسی زبان ادبیات فارسی، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان خاش.

<sup>۴</sup> کارشناسی آموزش ابتدایی، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان خاش.

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر و نقش معلم در فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بود. روش پژوهش کتابخانه‌ای از نوع مروری بود و از مقالات و تحقیقات معتبر که در این زمینه انجام شده استفاده شده است. یکی از پدیده‌های طبیعی مشهود در تمام ساختارهای جوامع انسانی وجود تفاوت است. یک نظام آموزشی سالم، انسانی و کارآمد این تفاوت‌ها را به شکل طبیعی از توانایی‌ها و قابلیت‌ها دریافت و ادراک می‌کند. وجود تفاوت‌های فردی در میان دانش آموزان از نظر هوش، شخصیت، استعداد، پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و قدرت یادگیری یکی از مهمترین مسائلی است که معلمان در کلاس‌های درس خود با آن مواجه‌اند، چرا که معلمان به تجربه دریافته‌اند که شیوه برخورد با شاگردان مختلف و نیز پیروی از یک روش تدریس خاص نمی‌تواند برای همه دانش آموزان به طور یکسان مفید باشد. بنابراین معلمان نقش اساسی در فرایند آموزش و پیشرفت دانش آموزان را دارند. معلمانی که وارد مدارس و موسسات آموزش می‌شوند همیشه اثربخش و واجد مولفه‌های یک معلم خوب و اثربخش نیستند و در این شرایط نمی‌توان سرنوشت دانش آموزان را به اتفاق واگذار کرد، بلکه باید به آموزش این معلمان برای کسب این مولفه‌ها همت گماشت تا به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عنوان یکی از معیارهای پیشرفت جامعه رسید. تحقیقات نشان می‌دهد که سهم معلم در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پررنگ است، از طرفی استانداردهای حرفه معلمی مهارت‌هایی است که از آن به دانش محتوایی، روش‌های معلمی، دانش و مهارت‌های روش تدریس حرفه‌ای، منش‌ها و توانای انجام فعالیت‌های حرفه‌ای که با هدف ایجاد تحول در فرایند یاددهی - یادگیری دانش آموزان از طریق ایجاد آمادگی در معلمان طراحی و در کلاس درس اجرا می‌شود. هنگامی که معلمان در این مهارت‌ها تخصص و توانایی کافی و لازم را داشته باشند، می‌توانند از دانش، مهارت‌ها و تخصص خود در فرایند آموزش استفاده کرده و بدین ترتیب زمینه مساعدی را برای پیشرفت تحصیلی بیشتر دانش آموزان فراهم سازند.

**واژه‌های کلیدی:** پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان، حرفه معلمی، نقش معلم، یادگیری

## مقدمه:

در آغاز قرن بیست و یکم، به تعلیم و تربیت بیش از گذشت توجه شده است تا جوامع بشری بتوانند با ایجاد تحول و افزایش کارایی و کفایت با چالش های موجود به گونه ای سازنده روبرو شوند و برای عبور از آنها بستری مناسب تر، کارسازتر و موجه تر در اختیار داشته باشند. به دیگر سخن، بشر امروز به خوبی دریافته است که تحول در آموزش و پرورش پیش نیازی است برای پاسخ گویی به چالش های علمی، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی و دستیابی به توسعه پایدار است. اولویت اول به معلم تعلق می گیرد چون، کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به حساب می آید و تحقق اهداف متعالی نظام و تربیت، در هر بعد و اندازه ای که باشد، با واسطه معلم صورت می پذیرد. آنچه دانش آموزان کسب می کنند، بیش از هر چیزی متأثر از خصوصیات، کیفیات و شایستگی های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان است. کافی است بر محورهایی که بر تغییر و تحول در نظام های تعلیم و تربیت در سطح ملی و بین المللی مطرح شده اند، نگاهی هر چند گذرا داشته باشیم تا دریابیم بدون در نظر گرفتن جایگاه ویژه برای عنصر معلم، هیچ یک از خواسته ها تحقق نخواهد یافت (رووف<sup>۱</sup>، ۱۳۹۷).

معلمین نقش اساسی در فرایند آموزش را دارند. از جمله این نقش ها می توان از نقش تعیین اهداف یادگیری، توسعه مطالب درسی، تهیه طرح درس، هدایت کلاس به سمت یادگیری، فعال سازی دانش آموزان، تعیین استانداردهای یادگیری و ارزشیابی از دانش آموزان نام برد. از دیگر وظایف معلم این است که با فعال سازی دانش زمینه ای دانش آموزان و معنادار کردن مطالب درسی برای دانش آموزان از پیچیدگی شناختی مطالب درسی جلوگیری کند (ویلیس و ویلیس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص هایی مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان جایگاه آن ها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آن چنان که باید پیشرفت و تعالی یابند. بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علایم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی می باشد که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی شود مگر این که افراد خلاق تربیت شده باشند، پیشرفت تحصیلی ضمن این که در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می شود (مهدی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

دانش آموزان و دانشجویان که از موقعیت های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده احترام به آنان می نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار این ها از هزینه های گزافی که از افت تحصیلی بر آموزش و پرورش تحمیل می شود، کاسته خواهند شد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی های خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و موثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته اند، اما با توجه به تفاوت های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود، زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می گذارند. منابع موجود نشان می دهد که

<sup>۱</sup> Roof<sup>۲</sup> Willis & Willis<sup>۳</sup> Achievement

آموزش به طور کلی تحت تأثیر پنج عامل معلم، فراگیر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی هایی است که می توانند در پیشرفت تحصیلی و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشند (مهدی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

### پیشینه پژوهش

معلمی کنشی هوشیارانه و اخلاقی است که ماهیت تربیتی دارد. تعریفی که از معلمی می شود مبتنی بر شایستگی هایی است که او را آماده برای ادای تکلیف معلمی می کند. یکی از دشوارترین کنشهای معلم، توانایی مواجهه با رویدادهای نوظهور در موقعیت های یادگیری است، قابلیتی که باید فرایند تربیت را طی کند. از دید باکبرگر<sup>۴</sup> (۲۰۰۱)، لازم است در فرایند آموزش و پرورش دانش آموزان در مواجهه با حل مسائل، درک نیاز و احساس دیگران در روابط میان فردی، مقبولیت، وابستگی مشترک و احترام رشد یابند به گونه ای که موجب رشد توان شخصی آنها در عمل مستقلانه، مستدلانه و مسئولانه شود. این امر در صورتی امکان پذیر است که نقش های تغییر یافته ای از معلم نسبت به قبل پیش بینی و توصیف شوند (دیوجک، پاولین و پولاک، ۲۰۰۹).

تسلط معلم بر دانش موضوعی، یک شایستگی بنیادین محسوب می شود (کونینگ و همکاران، ۲۰۱۶). معلم تا درک و تحلیل روشنی از دانش موضوعی نداشته باشد و منطق دانش موضوعی را درک نکند نمی تواند عمل تدریس را حتی در ابتدایی ترین شکل آن انجام دهد. ضروری است معلمان بر دانش موضوعی یا دانش های مرتبط با موضوع تدریس خود مسلط باشند، با ابزارهای تحقیق و ساختار دانش موضوعی یا دانش های مرتبط با موضوع تدریس خود آشنا باشند و تجارب یادگیری را به نحوی طراحی کنند که جنبه های مختلف موضوع درسی برای دانش آموزان معنادار شود. تسلط بر دانش موضوعی و فهم عمیق نسبت به مفاهیم آن توانایی کاربرد رویکردهای چند رشته ای و میان - رشته ای و راهبردهای یاددهی - یادگیری متناسب با آنها را فراهم می نماید (هامفری، ۲۰۱۷).

حصاری، خزایی و نوری (۱۳۹۸) در مقاله ای تحت عنوان فرایند بهبود در روند آموزش: نقش معلم در مقابل نقش دانش آموزان با استفاده از روش کتابخانه ای دریافتند که انگیزه بالای دانش آموزان، احساس نیاز آنان به یادگیری مطالب درسی و تلاش آنان از عوامل موثر در شرکت فعال آنان در کلاس و در یادگیری مطالب درسی بوده است. نتایج نمایانگر این است که معلم در سر کلاس نقش حیاتی نسبت به کاهش پیچیدگی شناختی و زبانی مطالب درسی را دارد و فرایند یادگیری را تسهیل می دهد، اما دانش آموزان در خارج از کلاس نقش حیاتی دارند (به نقل از بهمن، ۱۳۸۹).

حجازی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بررسی سهم معلمان در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم نظری بر پایه داده های امتحانات کشوری به این نتیجه رسیدند که ضرورت داشتن فلسفه و هدف معین و برنامه و روش مشخص در امر تعلیم و تربیت به ویژه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و لزوم ارزیابی مداوم محصول تلاش ها، تحول نیازها و تجدید نظر در برنامه های آموزشی و تربیتی موضوعی غیرقابل انکار است. یافته ها نشان می دهد که سهم معلم در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان معنادار است. این نتایج با نتایج تحقیقات هاوی، پایانااستاسیو (۲۰۰۲) همخوانی دارند؛ زیرا یافته ها در سطح بین المللی حاکی از آن است که میزان آمادگی معلم با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری دارد. یافته های آزمون t تک نمونه ای نشان می دهد میانگین نمونه در ابعاد ویژگی های فردی و شغلی، بعد دانش، بعد مهارتی و بعد شخصیتی به طور معنی داری با

<sup>۴</sup> Buckburger

<sup>۵</sup> Devjack, Pauline & Pollock

<sup>۶</sup> Koenig

<sup>۷</sup> Humphrey

میانگین فرضی جامعه در هر دو گروه استان های دارای پیشرفت تحصیلی بالا و پایین تفاوت دارد و این تفاوت ها معنی دار است. میانگین های به دست آمده (میانگین مشاهده شده) در پرسشنامه سهم معلمان در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان برای استان های با پیشرفت تحصیلی پایین برای ابعاد ویژگی های فردی و شغلی، بعد دانش، بعد مهارتی و بعد شخصیتی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب تفاوت معنی داری وجود دارد. علاوه بر این بین استان های دارای پیشرفت تحصیلی بالا و پایین در ابعاد ویژگی های فردی، بعد دانش، بعد مهارت و بعد ویژگی های شخصیتی معلمان از دیدگاه آزمودنی ها تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به میانگین ها، معلمان استان های دارای پیشرفت تحصیلی بالا نمره بیشتری در این ابعاد کسب کرده اند (حجازی، ۱۳۹۹).

رحمت زهی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش تحت عنوان بررسی نقش معلمان در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و تبیین دلالت های آن برای تربیت معلم به این نتیجه رسیدند که امروزه تعلیم و تربیت از دشوارترین، ظریف ترین و پرمهرترین امور انسانی و امری پر ارج به حساب می آید. نقش معلمان در این امر بسیار حساس، مهم، موثر و سازنده است. با ایجاد و گسترش تشکیلات تربیت معلم و ارائه برنامه های متنوع و متناسب می توان معلمانی تربیت کرد که مهارت ها و فنون لازم را در ابعاد انسانی و ادراکی کسب کنند و بتوانند از هنر، علم و تجربه خود در تبدیل انسان های خام به انسان های خلاق، بالنده و متعادل بهره گیرند. موسسات تربیت معلم در عصر کنونی جایگاه و رسالت ارزنده ای در نظام تعلیم و تربیت کشور دارند. دانشگاه فرهنگیان در جهت رسیدن به رسالت خود (پرورش معلمان شایسته) بایستی اقداماتی از قبیل: آشنا سازی دانشجو معلمان با مفهوم خلاقیت و پرورش آن، ایجاد باورهای مثبت در دانشجو معلمان درباره دیگران، فراهم آوردن آزادی برای کسب تجربه و غوطه ور کردن دانشجو معلمان در عمل، گزینش دانشجو معلمان با معیارهای لازم، گزینش مدیران و مدرسان شایسته و مسئول برای دانشگاه فرهنگیان، بازنگری و بازسازی در محتوای دروس تربیت معلم، پرورش مهارت های معلمی از طریق برنامه درسی کارورزی و توجه جدی به وسایل آموزشی در مراکز تربیت معلم را انجام دهد، تا بتواند رسالت عظیم خود را که تربیت معلمان شایسته است به سرانجام رساند (رحمت زهی و همکاران، ۱۳۹۸).

### مفهوم و تعریف معلم

معلم در فرهنگ معین، تعلیم دهنده و آموزنده، معنی شده است و در فرهنگ عمید، تعلیم دهنده، آموزاننده و آموزگار و در لغت نامه دهخدا نیز آموزنده، آموزاننده، تعلیم دهنده، آموزگار و شیخ معنی شده است. امروزه در نظام های آموزشی و پرورشی جهانی معلم به معنی خاص به کسی اطلاق می شود که واجد ویژگی ها و صلاحیت های مشخص بوده و حرفه و شغل او تعلیم است. (اسدی گرمارودی و شریف زاده، ۱۳۹۳).

### معرفی شغل معلمی

معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر توانمندی است. معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی است. در «اقرأ باسم ربك الذی» نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است. خداوند، خود را معلم می خواند و جالب این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار... «خلق خلقت»، یعنی انسان آورده است. نباید تنها با این توجیه که معلمی شغل انبیا است، از توجه به نیازها و سختی هایی که معلمان تحمل می کنند، چشم پوشید. اگر معلمی شغل انبیا است، باید این را نیز به خاطر داشت که انبیا بر انسان منت گذارده اند. در آیات و حیانی نیز حقی که آنان بر گردن انسان ها دارند، گوشزد شده است. کار معلم با انسان است و انسان به عنوان اشرف مخلوقات، پیچیده ترین سیستمی است که در طبیعت مشاهده می شود. این موجود نه تنها خود پیچیده است، بلکه در جامعه رابطه پیچیده تری را به وجود می آورد که پیش بینی رفتار و سخن گفتن دقیق درباره او را به حداقل می رساند. اصولاً سروکار داشتن با انسان کار بسیار سختی است، خصوصاً اگر سروکار با اجتماع انسان ها باشد، کار سخت تر می شود. چون انسان ها در اجتماع از نظر روانی، رفتارهای خاصی را از خود نشان می دهند که به تنهایی آن رفتارها را از خود بروز نمی دهند.

برخورد با انسان هایی که در یک جا جمع شده اند و با هم همسویی می کنند و اهداف مشترکی را دنبال می کنند و هر کدام شخصیت ویژه ای دارند باید بسیار هوشیارانه و ماهرانه باشد که کار هر کسی نیست (مهدی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

معلمی نیاز به توانایی و صرف انرژی فراوان دارد. معلم باید جامعه شناس باشد که با شناخت مقتضیات زمان، دانش آموز را برای ورود به جامعه آماده کند. همچنین باید روانشناس باشد که با درک نیازهای روحی و مسایل روانی، دانش آموز را به عنوان فردی از نظر روح و روان، سالم تحویل اجتماع دهد و معلم با انسانی سروکله می زند که از قضا در دوران رشد و تغییر و تحول است. معلم باید به مثابه مردم شناسی که در قلمرو ناشناخته ای پا می گذارد، وارد دنیای کودک و نوجوان شود و آداب و رسوم کودکی و اقتضائات این دوران را بشناسد. معلم باید تأثیرگذار باشد و به عنوان الگویی که رفتار و گفتارش در برابر چشمان تیز بین کودک مورد ارزیابی دقیق قرار می گیرد، مسلماً او را در موضعی قرار دهد که می بایست کنترل زیادی بر کردار خود داشته باشد و این کنترل بر نفس، او را هرچه بیشتر در تنگنا قرار می دهد و چه بسا منجر می شود که معلم از بسیاری از امور مورد علاقه اش که حق شرعی و قانونی اوست محروم شود. نکات ذکر شده، تنها گوشه ای از ملزومات معلمی است و مسایل بیشتری وجود دارد که این حرفه را هرچه بیشتر دشوار می کند (تقی پور و همکاران، ۱۳۹۶).

معلم حرفه ای کسی است که دانش و تجربه کافی دارد و روش تدریس نیز می داند؛ یعنی این که می داند چه روش ها و فنونی را در کجا و چگونه به کار گیرد تا کلاس کارآمد و اثربخشی داشته باشد. معلمانی که هر سه ویژگی دانش، تجربه و روش را توأمان دارا باشند، معلم حرفه ای قلمداد می شوند؛ هر یک از ویژگی های مذکور به تنهایی نمی تواند فردی را به معلمی حرفه ای تبدیل کند. در واقع، آن چه که معلم حرفه ای را از سایر معلمان متمایز می کند، استفاده مناسب و به جا از روش های مطلوب تدریس است. هر چند نبود هر یک از دو عامل دانش و تجربه کافی مشکلاتی را برای معلم به وجود می آورد، نداشتن روش مناسب، سبب از بین رفتن دو متغیر دیگر می شود. معلم حرفه ای می داند که چگونه و با چه روش هایی تدریس خود را آغاز کرده، ادامه دهد و آن را به اتمام رساند و مطالب را کی و چگونه عرضه کند تا دانش آموزان را به حداکثر فعالیت وادارد و آن ها را قدم به قدم به اهداف تدریس نزدیک کند (مردانی، ۱۳۹۹).

### تفاوت های فردی دانش آموزان در یادگیری

مشاهدات روزانه به آسانی نشان می دهد که دانش آموزان از نظر شکل ظاهری با یکدیگر تفاوت دارند. پس برای اینکه نشان دهیم که دانش آموزان یک کلاس به صورت آشکار با یکدیگر تفاوت دارند استفاده از ابزار متر برای اندازه گیری قد دانش آموزان و ترازو برای اندازه گیری وزن دانش آموزان است که این خود معیار خوبی برای نشان دادن تفاوت های فردی و ظاهری آن هاست. برای اکثر ما اتفاق می افتد که وقتی با دو دانش آموز دو قلو یکسان رو به رو می شویم. در تمیز آن ها از یکدیگر دشواری پیدا می کنیم چون از نظر شکل ظاهری مثل هم هستند. دانش آموزان نه تنها از نظر شکل ظاهری بدن و توانایی های جسمی تفاوت دارند، بلکه از نظر قابلیت های ذهنی نیز تفاوت های فاحشی دارند. مشاهده قدرت یادگیری دانش آموزان در کلاس اول ابتدایی، مقایسه زیبایی خط، استعداد های نقاشی، خواندن، نوشتن، حساب کردن، سرعت عمل، اجتماعی بودن و ... به خوبی نشان می دهد که آن ها با یکدیگر تفاوت دارند. برای تشخیص این تفاوت ها می توان آزمون های بسیار دقیقی را به کار برد؛ آزمون های هوشی، استعداد، مهارت های حسی، حرکتی، اجتماعی بودن و ... همه این آزمایش ها تفاوت های چشم گیری را بین دانش آموزان نشان می دهند. هر صفتی را در نظر بگیریم و هر گروه بزرگی از کودکان را تحت آزمایش قرار دهیم خواهیم دید که قانون منحنی طبیعی در مورد آن ها صدق می کند. مثلاً از نظر هوش کودکان کانا، کالیو، کودن، مرزی، طبیعی، باهوش، پرهوش، و سر آمد خواهیم داشت. از نظر توانایی ها نیز نتایج به همین صورت خواهد بود. نه تنها دانش آموزان پسر با یکدیگر و دانش آموزان دختر با یکدیگر تفاوت دارند، بلکه بین پسر و دختر نیز تفاوت های زیادی وجود دارد. دختر ها در یادگیری برخی مسایل احساس راحتی می کنند، در عوض برخی مسایل دیگر را پسر ها راحت تر می آموزند (معجز و همکاران، ۱۳۹۶).

## انواع تفاوت های فردی دانش آموزان در یادگیری

تفاوت های فردی بر دو گونه اند:

### الف ( تفاوت های بین فردی

تقسیم بندی شاگردان فقط بر حسب سن آنان در کلاس های مختلف، دال بر همگن یا یکسان بودن توانایی ها و نیازهای خاص آنان نیست، دانش آموزان نه تنها از لحاظ مشخصات ظاهری، بلکه از نظر خصوصیات اخلاقی، هوشی و روانی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین اگر بخواهیم تمام دانش آموزان یک کلاس را با یک روش و به یک اندازه معین آموزش دهیم و انتظار داشته باشیم که تمام آنان مطالب را یکسان یاد بگیرند، درست مثل این است که به پای دانش آموزان کفش هایی با اندازه یکسان بپوشانیم و انتظار داشته باشیم که همه آنها در این کفش ها به یک میزان احساس راحتی کنند و پاهایشان بدون هیچ گونه ناراحتی به رشد طبیعی خود ادامه دهد. همان گونه که مربیان اختلاف قیافه های انسانها را بدیهی می شمارند، باید تفاوت توانایی ها و نیازهای دانش آموزان را نیز طبیعی بدانند، معلم دانا و آگاه معلمی است که با توانایی ها و نارسایی های گوناگون شاگردانش آشنا باشد و درس هایش را طوری تنظیم کند که آنها بطور گروهی یا انفرادی متناسب با توانایی ها و قابلیت های خود پیشرفت کنند (معجز و همکاران، ۱۳۹۶).

### ب ( تفاوت های درون فردی

افراد علاوه بر این که از نظر توانایی ها و مهارت های گوناگون با یکدیگر تفاوت دارند، این مهارت ها و توانایی ها در خود شخص نیز به یک میزان نیست. برای مثال فردی ممکن است در مهارت های دستی یا مکانیکی بسیار ورزیده و ماهر باشد ولی همین فرد در تفکر انتزاعی یا مجرد ضعیف باشد. برعکس فردی ممکن است از لحاظ تفکر و اندیشه فوق العاده قوی باشد ولی از نظر مهارت های دستی یا وجود آوردن چیزی با دست هایش ضعیف باشد. مثال تفاوت های درون فردی در حوزه آموزش بسیار زیاد است. فرض کنید دانش آموزی از نظر خواندن و نوشتن از حد متوسط کلاس پایین تر است ولی همین فرد در ریاضیات قوی تر از حد متوسط است (معجز و همکاران، ۱۳۹۶).

## نقش های معلم

آگاهی و توجه به نقش ها و وظایف گوناگون معلم موجب می شود هر معلمی آگاهانه به خود سنجی و خود ارزیابی بپردازد، مراقب اعمال و رفتار و گفتار خود باشد و به مسئولیت های خطیرش پی ببرد. با اندک تأمل در زندگی معلمان بزرگ و موفق تاریخ و مطالعه سیره ائمه معصومین علیه السلام می توان نقش هایی را به این شرح برای معلم تعریف کرد (به پژوه، ۱۳۹۰):

**الف) معلم در نقش یاددهنده:** مهمترین نقش معلم، یاددهندگی و تدریس اوست. اولین دلیل استخدام معلمان، تدریس است. معلم شایسته همواره می کوشد با کسب تخصص لازم در زمینه های روانشناسی، علوم تربیتی و تخصص موضوعی، این نقش را به بهترین وجه ایفا کند.

**ب) معلم در نقش مربی:** بارها شنیده ایم که تزکیه بر تعلیم و پرورش بر آموزش مقدم است. از این رو، نقش مربیگری معلم با نقش آموزشی او در آمیخته است. معلم چه بخواهد چه نخواهد، که بداند که نداند، نقش تربیتی را هم برعهده دارد و این نقش اثرهای نامرئی است. یعنی در گزارش های اداری و رسمی چندان جایی ندارد.

**پ) معلم در نقش انسان سازی:** معلم شایسته انسانی است به تمام معنا عاشق. عاشقانه تعلیم می دهد و تربیت می کند. عاشقانه علم می آموزد و چون شمع، روشنی بخش محیط اطراف است. امانتداری است که انسان امانت اوست. برخی انسان ها وقتی به جاه و مقام برسند، شاد می گردند، معلمان زمانی که موفق به هدایت انسان می شوند خرسند می شوند.

**ت) معلم در نقش الگو بودن:** معلم چه بخواهد چه نخواهد همواره یک الگو و سرمشق برای همانند سازی یا همسان سازی است. او از طریق یادگیری اجتماعی و تقلید شاگردان را تعلیم می دهد و تربیت می کند. در این نقش، معلم به عنوان یک الگوی معرف جامعه ایفای نقش می کند. معلم یک اسوه یا سرمشق عملی است.

ث) **معلم در نقش تخصصی و حرفه‌ای:** معلم واقعی یک فرد حرفه‌ای است که همواره سعی می‌کند اصول اخلاقی حاکم بر این حرفه را رعایت کند. آشنایی با اصول روانشناسی، روش‌های اصلاح رفتار، فناوری آموزشی، روانشناسی رشد و فنون تدریس، از دانش‌های ضروری‌اند که هر معلمی باید آنها را کسب کند و به علاوه به دنبال کسب آخرین یافته‌های علمی در حوزه تخصصی خود نیز باشد.

ج) **معلم در نقش متعلم:** کسی می‌تواند معلم خوبی باشد که متعلم یا یادگیرنده کوشایی باشد. با توجه به اینکه عصر حاضر عصر انفجار اطلاعات و دانش است، معلم موظف است همواره خود را به علم روز مجهز کند و ناگزیر از یادگیری است.

ح) **معلم در نقش اصلاح‌گر رفتار:** معلم با در اختیار داشتن تقویت‌کننده‌های مثبت می‌کوشد رفتارهای مثبت دانش‌آموزان را شکل دهد، توسعه دهد و استمرار بخشد و به عکس، با به کارگیری تقویت‌کننده‌های منفی، از توسعه، استمرار و شکل‌گیری رفتارهای نامطلوب آنها پیشگیری کند.

چ) **معلم در نقش اصلاح‌گر جامعه:** بدون شک نقطه آغازین اصلاحات در جامعه، از خانه شروع می‌شود و سپس به مدرسه می‌رسد. در خانه والدین و در مدرسه معلمان نقش اول را ایفا می‌کنند. یک معلم خوب حیات معنوی جامعه را رقم می‌زند و انقلاب بنیادین در جامعه از جامعه معلمان آغاز می‌شود.

ه) **معلم در نقش ناقل فرهنگی:** معلم یک ناقل و جهادگر فرهنگی است که باید با کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه آنها را از طریق گفتار و کردار خود به شاگردان منتقل کند و به تعلیم و تربیت به معنای انتقال میراث فرهنگی معنا بخشد.

خ) **معلم در نقش راهنما و مشاور:** دانش‌آموزان همواره به راهنمایی و مشاوره احتیاج دارند و نخستین کسی که به او مراجعه می‌کنند معلم است.

د) **معلم در نقش مدیر آموزشی:** رهبری و اداره یک کلاس برای معلم نقش دیگری را به ارمغان می‌آورد و آن مدیریت کلاس است. فراهم کردن شرایط مناسب یادگیری، برقراری نظم و ترتیب و اداره کلاس به منزله یک گروه اجتماعی، از مهمترین وظایف معلم محسوب می‌شود.

ذ) **معلم در نقش معین عمل:** در کنار سایر نقش‌ها، گاهی اوقات حضور معلم صرفاً نقش یک تسهیل‌کننده، معین عمل و به اصطلاح کاتالیزور را برای یادگیری بازی می‌کند. او ممکن است شخصا در فعالیت‌های یادگیری شرکت نکند، اما نبود او در کلاس درس امکان دارد موجب اختلال در یادگیری دانش‌آموزان شود.

ر) **معلم در نقش کاربر فناوری آموزشی:** تهیه و تنظیم مواد آموزشی و کمک آموزشی، کاربرد فناوری و تکنیک‌های گوناگون برای تدریس، موجب می‌شود معلم نقش یک تکنولوژیست را ایفا کند.

ز) **معلم در نقش پژوهشگر:** معلم در آزمایشگاه واقعی علوم تربیتی کار می‌کند. او همواره با انسان‌ها مواجه است، پس باید مسائل و مشکلات را بشناسد. علت‌یابی کند و راه مناسب را برای حل آن‌ها بیابد.

س) **معلم در نقش مبلغ مذهبی:** معلم موفق همواره با اخلاص سر کلاس حضور پیدا می‌کند و در همه حال خداوند تبارک و تعالی را شاهد و ناظر بر اعمال خود می‌داند. تقوای عملی، حلم و شکیبایی دانش‌آموزان را به طور غیر مستقیم به دین و دیانت دعوت می‌کند.

ش) **معلم در نقش انضباطی:** یکی از نقش‌های چشمگیر معلم، نقش انضباطی اوست. معلمی که در عمل به نظم و انضباط اهمیت می‌دهد (مثلاً به موقع در کلاس حاضر می‌شود)، آثار بسیار عمیقی بر شاگردان به جا می‌گذارد.

ط) **معلم در نقش قاضی:** هر معلمی، در طول خدمت خود بارها تدریس می‌کند، نمره می‌دهد و فهرست نمره را کامل می‌کند. نمره دادن به تلاش‌های دانش‌آموز یعنی قضاوت و ارزیابی او.

ظ) **معلم در نقش مادر و پدر:** در یک فضای عاطفی است که فرآیند تاثیرپذیری و تاثیرگذاری تحقق می‌یابد و اصولاً تعلیم و تربیت یعنی تاثیر گذاشتن و تاثیر پذیرفتن. از این رو معلمی که در نقش پدر مهربان یا مادری دلسوز با شاگردش به عنوان



فرزند خود ارتباط برقرار می کند. می تواند به درون شاگرد راه یابد، او را از درون متحول سازد و درون او بذرهایی محبت به کارد (به پژوه، ۱۳۹۰).

### نقش تاثیرگذار معلم

شاگردان، به دلیل نفوذ روحی و معنوی معلم، تأثیرات شگرفی از او می گیرند. معلم، با نفوذ کلامش می تواند فرزند شقی ترین افراد را نیز به راه راست رهنمود سازد؛ مانند پسر یزید بن معاویه که تحت تأثیر معلم لایقش به اهل بیت علیهم السلام گرایش پیدا کرده بود. بیشتر انسان های موفق، کامیابی خود را مدیون معلمان خود می دانند و نیز افرادی هستند که سرخوردگی و شکست های زندگی شان، ناشی از برخورد بد معلمان است. برای نیل به موفقیت، و نفوذ در شاگردان، باید روش های تعلیم و تربیت، چه آنهایی که علم به آن رسیده و چه آنهایی که علم هنوز به آنها نرسیده ولی در کتاب های اخلاقی و روایی ما آمده است را مدنظر قرار بدهیم. معلم برای ارتباط برقرار کردن و نفوذ در شاگردان و در نتیجه، تأثیرگذاری بر آنها باید به تقویت سه حوزه، در خود بپردازد. این سه حوزه عبارتند از:

۱. حوزه اخلاقی و تربیتی.

۲. حوزه علم و دانش.

۳. حوزه فنون و مهارت های تدریس.

هر یک از این سه حوزه، درصدی از موفقیت را در ارتباط برقرار کردن و نفوذ در دانش آموزان در بردارد. اهتمام جدی به رعایت و تقویت این سه حوزه به ما در پیش برد اهدافمان کمک می کند. البته شاید نتوان این سه حوزه را دورنمای همه عوامل نفوذ دانست اما می توان گفت که اکثر این عوامل را شامل می شود (خنیفر، ۱۳۹۵).

### نقش معلم در تسهیل یادگیری

بدیهی است که معلم در فرایند یاددهی نقش مهم و ارزنده ای را ایفا می کند. معلم چراغ هدایت و موفقیت است که انسان را راهنمایی می کند، تا انسان ها به طور منظم به کمال علم و معرفت برسند. با این حال کار معلم هنگامی ثمربخش است که با شاگردان همکاری داشته و در کلاس درس با دانش آموزان مشارکت داشته باشد و گام به گام با آنها پیش برود به آنها را راهنمایی کند. معلمی که می خواهد تسهیل کننده امر تربیت و آموزش باشد. باید از شیوه های سنتی و طوطی وار پرهیز کند و با شیوه های جدید یادگیری را تسهیل نماید (لارسن و فری من<sup>۴</sup>، ۲۰۰ به نقل از رضایی، ۱۳۹۹).

یک روش در تسهیل یادگیری ایجاد حسن اعتماد دوجانبه بین شاگرد و معلم است. در آخر لازم به یادآوری است که شاگرد در همه وقت به راهنمایی معلم نیاز تام دارد. پس معلم است نقش ارزنده را در پروسه یاددهی به شاگردان داشته و نحوه یادگیری را به شاگردان تفهیم می کند و سهولت می بخشد. لذا در ذیل به یکسری از وظایف معلم که در بهبود روند آموزش بیشترین تاثیر را دارند اشاراتی شده است (حصاری و همکاران، ۱۳۹۸).

<sup>۴</sup>Larsen & Freeman





شکل ۱: نقش معلم در فرایند یاددهی و یادگیری (چستن، ۱۹۹۸)

#### ۱- اعتماد به نفس معلم

تدریس نیازمند این حقیقت است که معلم بتواند با دانش آموزانش تعامل داشته باشد، و لازمه این تعامل دو جانبه وجود اعتماد به نفس معلم می باشد. اگر معلم نسبت به خود و دانش خود مطمئن نباشد، دانش آموزان پس از اندکی این موضوع را می فهمند و احتمال هست که او را دست کم گرفته و به او اتکا نکنند (چستن، ۱۹۸۸).

#### ۲- مهارت تعاملی معلم

معلم بایستی توانایی جلب توجه شاگردان را به مطالب درسی و فراهم نمودن جوی فعال در کلاس را داشته باشد. یکی از مهارت های مهم ارتباطی معلم این است که به دانش آموز بفهماند که حضور، فعالیت ها و موفقیت او در کلاس مهم است: معلمی که باعث افزایش علاقه دانش آموزان در کلاس می شود موثرترین معلم است (چستن، ۱۹۸۸).

#### ۳- دانش معلم

دانش معلم یکی از عوامل اساسی در فرایند آموزش می باشد. آشنایی و معلم با جدیدترین روش های تدریس دنیا و به کارگیری آن روش تدریس ها در کلاس نقش حیاتی دارند.

#### ۴- سخت کوشی معلم

افرادی که اصلاً تدریس نداشته اند ممکن است که این نکته را در نکنند که فعالیت تدریس یک فعالیت خسته کننده است که نیاز زیادی به وقت انرژی و تلاش و کوشش دارد.

#### ۵- انتخاب معیار (استاندارد)

اگر معلم در سر کلاس برای دانش آموزان معیارهای انتخاب کند که آنها را به فعالیت بهینه در کلاس درس ترغیب کند، دانش آموزان به حد بالایی از استاندارد یادگیری خواهند رسید. استانداردهای پیشرفت تحصیلی بایستی در ابتدای آموزش برای دانش آموزان مشخص شوند. با توجه به این معیارها دانش آموزان ضعیف مجبور به تلاش بیشتر و دانش آموزان قوی تر با اندکی تلاش می توانند به آن استانداردها دست یابند (چستن، ۱۹۹۸).

<sup>۱</sup> Chastain

## نقش دانش آموزان در فرایند یادگیری

وقتی به متغیرهای موجود در کلاس درس می‌نگریم ناخودآگاه به سوی یک متغیر به نام دانش آموز سوق داده می‌شود. در فرایند یادگیری و یاددهی نقش دانش آموزان در کلاس حیاتی است زیرا که هدف کلی این فعالیت‌ها سوق دادن دانش آموزان به یادگیری و تغییر رفتار در ایشان می‌باشد. از عوامل مؤثر در فرایند یادگیری مربوط به دانش آموزان می‌توان از عوامل احساسی، عوامل شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل بیولوژیکی نام برد (حصاری و همکاران، ۱۳۹۱):



شکل ۱: عوامل مؤثر در فرایند یادگیری (حصاری و همکاران، ۱۳۹۸)

## ۱- عوامل احساسی

از همه متغیرهای ذکر شده عوامل احساسی مهمترین آن می‌باشد (چستن، ۱۹۹۸). عوامل احساسی شامل احساس، نگرش شخصیت می‌باشد. عوامل احساسی نقش اساسی و مهم تری نسبت به عوامل شناختی در فرایند یادگیری را دارند. استویچ (۱۹۷۶) معتقد است که ایجاد نگرش مثبت در دانش آموزان عامل شماره یک در یادگیری می‌باشد در ذیل به یک سری عوامل احساسی و مؤثر در بهبود روند آموزش اشاراتی شده است:

## - اعتماد به نفس

دانش آموزانی که دارای اعتماد به نفس مثبت و یا به عبارتی به مهارت‌ها و توانایی‌های خود اعتماد دارند، احتمالاً توانایی غلبه بر تأثیرات منفی خطر کردن را دارند (کرشن، ۱۹۷۴)، مثلاً در بحث های گروهی بیشتر شرکت می‌کنند و از آن فعالیت‌ها لذت برده و سریعتر یاد می‌گیرد اما اگر دانش آموز یک رویه تدافعی در کلاس داشته باشد مسلماً یادگیری یا اصلاً اتفاق نمی‌افتد و یا یادگیری خیلی اندک است.

## - نگرش

دانش آموزان با نگرش های متفاوتی سر کلاس حاضر می‌شوند. آنها ممکن است نگرشی مثبت، منفی و یا آمیزه‌ای از هر دو را نسبت به معلم کلاس و موضوع درسی داشته باشند (چستن، ۱۹۸۸).

<sup>۱</sup>-Krashen

## - درون گرایی در مقابل برون گرایی

افراد درون گرا معمولاً افرادی کم حرف و خجالتی اند. افکار آن‌ها بیشتر معطوف به درون خودشان می‌باشد. چنین افرادی معمولاً خود را مسئول قبولی و مردودی خود می‌دانند. در مقایسه افراد برون گرا افرادی اجتماعی و نسبتاً پرخاشگر هستند. این افراد خود را مسئول قبولی و مردودی خود نمی‌دانند. بلکه عوامل بیرونی مانند جو کلاس و یا معلم را عامل اصلی قبولی و یا مردودی خود می‌دانند (کرشن، ۱۹۷۴)

## - علاقه و نیاز

از آنجایی که نیاز دانش‌آموزان در کلاس متنوع می‌باشد، واضح است معلم نمی‌تواند ساختار کلاس را طوری طراحی کند که نیاز همه را برآورده کند. به هر حال، دانش‌آموزی که احساس نیاز کند مسلماً این موضوع برایش اهمیت داشته که در کلاس حضور داشته باشد و وقتی در کلاس حضور داشته باشد. تعامل بیشتری داشته و یادگیری او عمیق تر و ماندگارتر خواهد بود (بدری و همکاران، ۲۰۱۴).

## ۲- عوامل شناختی

امروزه روانشناسان شناختی، یادگیری را به عنوان یک عامل درونی و ذهنی می‌شناسند. جدیدترین نقطه نظرات این است که آن‌ها ذهن انسان را با کامپیوتر مقایسه کرده‌اند. اما به هر حال نحوه پردازش اطلاعات در کامپیوتر و ذهن انسان با هم تفاوت هایی دارد که در پژوهش اخیر مجال پردازش به آن نیست. از عوامل شناختی موثر در یادگیری میتوان از دانش قبلی و یا به عبارتی دانش زمینه‌ای، سبک شناختی یادگیری، راهبردهای یادگیری، استعداد و هوش نام برد (چستن، ۱۹۹۸).

## -دانش زمینه‌ای

روانشناسان عموماً با این نظر موافق‌اند که دانش زمینه‌ای مهمترین عامل در یادگیری می‌باشد. افزایش دانش زمینه ای باعث می‌شود که فرایند یادگیری تسهیل شود. یکی از تکنیک‌های موثر در افزایش دانش زمینه‌ای دانش‌آموزان و یادگیری بهتر همان تکنیک شبکه معنایی و یا به عبارتی نقشه ذهنی می‌باشد (بدری و همکاران، ۲۰۱۴). بدین دلیل است که روانشناسان معتقدند که معلم با یکی از دانسته ها (معلوم) به نادانسته ها (مجهول) تدریس کند.

## -سبک شناختی

سبک شناختی به گرایش‌های افراد در نحوه استفاده از نیروی عقلانی برای یادگیری چیزی اطلاق می‌گردد. مثلاً بعضی از فراگیران برای یادگیری متکی به محیط اطراف خود هستند. چنین افرادی تمایل دارند که ذهن خود را متمرکز کل کنند و جزئیات را از هم تشخیص ندهند (براون، ۲۰۰۷). در حالی که افراد دیگری نیز هستند که می‌توانند جز مرتبطی را از محیطی بی ربط تشخیص دهند (براون، ۲۰۰۷) به چنین افرادی (field independent) می‌گویند. افرادی هستند که در مواجهه با موقعیت یادگیری جدید انعطاف پذیر ترند و در نهایت کسانی هستند که تغییر تصویر ذهنی موجود برایشان غیر ممکن است و دوست ندارد تصویر ذهنی گذشته را با اطلاعات جدید مخدوش کنند.

## - راهبردهای یادگیری

راهبردهای یادگیری همان استراتژی به یا روش‌های خاص برای دستیابی به راه حل یک مسئله است به عبارت دیگر راهبردهای یادگیری، عملکردی برای رسیدن به هدف است (براون، ۲۰۰۷). استراتژی همان عملکرد خاص، رفتارهای خاص، و تکنیک‌هایی است که توسط دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرد تا یادگیری خود را افزایش دهند (اکسفورد و اهرمن، ۱۹۹۸).

## -استعداد و هوش

استعداد به توانایی شخص در یادگیری موضوعی خاص اطلاق می‌گردد. مثلاً وقتی فردی در مقایسه با همکلاسی‌هایش نسبت به یادگیری درس زبان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را در سرکلاس نشان می‌دهد می‌توان گفت که چنین فردی استعداد و یا به

<sup>۱</sup>Brown<sup>۲</sup>Oxford & Ehrman

عبارتی گوش شنیدن زبان را دارد. از طرف دیگر هوش یک مفهوم عام است که تمام فعالیت های یادگیری را در بر می گیرد. شخص باهوش تقریباً در تمامی زمینه ها به طور یکنواخت ای یاد می گیرد (چستن، ۱۹۸۸).

### ۳- عوامل اجتماعی

از عوامل موثر در یادگیری می توان از بافت اجتماعی، حس متعلق بودن به اجتماع، و سرگشتگی فرهنگی نام بود. به عنوان مثال، پیشرفت تحصیلی متأثر از بافت اجتماعی است که در خارج از کلاس درس برای یادگیری تاثیر می گذارد. این عوامل می تواند تاثیر مثبت یا منفی داشته باشد، حس تعلق شامل این است که ما خود را عضوی از اجتماع بدانیم و دانش خود در اجتماع استفاده کنیم (رضایی، ۱۳۹۶).

### ۴- عوامل بیولوژیکی

به علاوه عوامل شناختی، احساسی و اجتماعی، عوامل بیولوژیکی مانند سن، جنسیت در یادگیری یکسری مهارت ها و دانش تاثیرگذار است (چستن، ۱۹۹۸):

#### -جنسیت

در گذشته برخی معتقد بودند یادگیری در خانم ها بیشتر از آقایان است، اما این نظر کاملاً اشتباه است و ممکن است برگرفته از تجارب شخصی معلم در سر کلاس کلاس باشد. اما به هر حال با توجه به بافت فرهنگی ممکن است موضوعاتی در کلاس آموزش داده شود که در سر کلاس آقایان تدریس نشود و یا برعکس موضوعاتی در کلاس آقایان آموزش داده شود که در سر کلاس خانم ها تدریس نشود، اما این دلیل بر این نیست که بگوییم خانم ها زودتر مسئله ای را یاد می گیرند. تحقیقات در کلاس های زبان نشان می دهد که آقایان در مهارت گفتار نسبت به خانم ها بیشتر بوده اند، زیرا در کلاس ها تعامل بیشتری داشته و توانسته اند بر تاثیر منفی خطرپذیری غلبه کنند اما در مهارت نوشتاری خانم ها پیشی گرفته اند، زیرا که در سر کلاس منظم و با وجدان تر بوده اند.

#### - سن

به نظر می رسد که سن در یادگیری مطالب درسی به خصوص در یادگیری زبان تاثیر بسزایی دارد. بعضی از نظریه پردازان معتقدند که کودکان از نظر روانشناسی، شخصیتی و شناختی دارای انعطاف بیشتری برای یادگیری نسبت به بزرگسالان هستند. آنها شدیداً به شخصیت و چارچوب اجتماعی خود وابسته نیستند تا آنها را از یادگیری مطالب جدید بازدارد (یول<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶).

### مفهوم شناسی تدریس

تدریس جنبه مهمی از فرایند برنامه ریزی درسی است که از طریق ارزش های تعلیم و تربیتی، نیازهای شخصی و نیز تنوعی از عقاید یا تعمیم هایی که معلم آنها راصحیح می پندارد، هدایت می شود. گیج<sup>۴</sup>(۱۳۷۴) تدریس را فعالیتی می داند که از جانب یک فرد به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگری انجام می پذیرد. اگر چه این فعالیت معمولاً با زبان سروکار دارد ولی این کار الزامی نیست. حتی تدریس نیازی به تکیه انحصاری بر فرایندهای عقلی و منطقی ندارد. ما می توانیم از طریق فراهم کردن نمایش های صامت و یا الگوهایی که یادگیرندگان بتوانند از آنها تقلید کنند تدریس کنیم. همچنین می توانیم با ترغیب نگرش ها و ارزش ها که مؤلفه های منطقی آنها تحت الشعاع عواطف و احساسات است به آموزش بپردازیم.

<sup>۱۳</sup>Yule

<sup>۱۴</sup>Gage

وی در تعریف تدریس بر رابطه تعاملی بین یاددهنده و یادگیرنده تأکید کرده و بر این باور است که این رابطه تعاملی وقتی که در موقعیت های سازمان یافته و بین معلم و دانش آموزان برقرار می شود تدریس نام می گیرد و عبارت است از مجموعه فعالیت هایی که توسط معلم به منظور تسهیل یا هدایت یادگیری در یادگیرندگان به انجام می رسد (همان).

به عبارت دیگر، تدریس قراردادی بین یک دانش آموز و یک معلم است. این قرارداد حکایت از آن دارد که معلمان و دانش آموزان توافق ها و نیز الزام هایی نسبت به یکدیگر دارند (جنکینز<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۹). فنستر ماکر<sup>۱۶</sup> (۱۹۸۶) به منظور ارائه یک مفهوم کلی از تدریس، ویژگی های فعالیت تدریس را به شرح زیر بیان می دارد:

- فردی وجود دارد که دارنده و مالک چیزی است،
- محتوا و کسی که،
- قصد دارد محتوا را منتقل کند یا تأثیر بگذارد بر روی،
- فرد گیرنده یا کسی که اساساً فاقد محتوا است و به این ترتیب،
- اولی و دومی در رابطهای درگیر میشوند تا دومی یا گیرنده، محتوا را کسب کند.

بنابراین همان طور که ملاحظه می شود در یک سوی جریان تدریس معلم قرار دارد که از طریق فعالیت ها و اقداماتی که انجام می دهد، تحقق یادگیری در یادگیرنده را که در طرف دیگر این جریان قرار دارد؛ تسهیل و هدایت می کند. این فعالیت ها در قالب محتوا و در جریان روابطی که با هدف تحقق یادگیری بین آنها شکل می گیرد؛ انجام می شود.

در واقع، می توان گفت که تدریس و یادگیری فعالیت های وابسته به هم هستند به شکلی که پرسش از این که یادگیری چیست ممکن است منجر به داشتن نگاهی نزدیک تر به آنچه، که مؤلفه های تدریس را تشکیل می دهند و اصول زیربنایی آنها که می توانند موجب یادگیری مؤثر گردند؛ بشود (دسوس<sup>۱۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۸).

### پیشرفت تحصیلی

منظور از پیشرفت تحصیلی، موفقیت در امر تحصیل است که می تواند به مهارت در امری خاص یا تخصص در بخشی از دانش منجر شود (غلامعلی لواسانی و همکاران، ۱۳۹۱). پیشرفت تحصیلی یا موفقیت تحصیلی، معلومات یا مهارت های اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوعات درسی است که معمولاً به وسیله آزمایش ها و نشانه ها یا هر دو که معلمان برای دانش آموزان وضع می کنند، اندازه گیری می شود (شعاری نژاد، ۱۳۹۳). یا به عبارتی پیشرفت تحصیلی عبارت است از محصول نهایی فرایند یادگیری فعال که با کمک آموزش فعالیت های تربیتی انجام می گیرد. همچنین، سرعتی که دانش آموز در تکمیل پایه ها و درجات گوناگون دارد و برحسب مقدارش، پیش افتادگی و سرعت یا عقب ماندگی وی اندازه گیری می شود (بیابانگرد، به نقل از کاظمی، ۱۳۹۹).

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش ها در این نظام در واقع تلاش برای جامه عمل پوشاندن به این امر تلقی می شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان و جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (پورشافعی، به نقل از مرا دی، ۱۳۹۱).

<sup>۱۵</sup>Jenkins

<sup>۱۶</sup>Fenstermacher

<sup>۱۷</sup>Dessus

از موفقیت یا پیشرفت تحصیلی تعاریف دیگری نیز وجود دارد. پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت دانش‌آموزان در یک یا چند موضوع درسی مثل درک، فهم، خواندن یا محاسبه عددی. چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمون‌های میزان شده تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین، این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می‌شود، دلالت دارد. در تعریفی دیگر، پیشرفت تحصیلی به جلوه‌ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش‌آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره‌ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون در نظر گرفت که مشهورترین آنها میانگین نمرات کل می‌باشد. علاوه بر این تعاریف، از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش و مفهوم انجام تکالیف و موفقیت دانش‌آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص یا موفقیت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب درسی استفاده می‌شود. وجه مخالف آن افت تحصیلی است که یکی از معضلات نظام آموزشی می‌باشد که به شیوه‌های گوناگون همچون عدم موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به هدف‌های مقاطع تحصیلی مربوطه، مردودی و تکرار پایه‌های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس، بیکاری و بلامتکلیفی خود را نشان می‌دهد. به طور خلاصه، نیل به اهداف آموزشی را به اصطلاح پیشرفت تحصیلی بیان می‌کنند (تقی پور و همکاران، ۱۳۹۶).

### اهمیت پیشرفت تحصیلی

مسئله پیشرفت تحصیلی برای همه دانش‌آموزان اهمیت یکسانی ندارد. قطعاً همگی آن دسته از دانش‌آموزانی که درس نمی‌خوانند و همیشه نمراتشان پایین است را دیده‌ایم، خوب این افراد به هیچ وجه پیشرفت تحصیلی را جدی نمی‌گیرند و اصلاً علاقه‌ای هم به آن ندارند. شاید یکی از دلایلی که باعث شده است این افراد برای پیشرفت تحصیلی هیچ تلاشی نکنند این باشد که اهمیت آن را نمی‌دانند. در اینجا قصد داریم پنج مورد از مهمترین دلایل پیشرفت تحصیلی را برایتان بیان کنیم:

- ۱) چشیدن طعم شیرین موفقیت
- ۲) تشویق میان دوستان و خانواده
- ۳) داشتن حال خوب
- ۴) بالا رفتن علم و آگاهی
- ۵) سابقه ای خوب برای آینده (آقای و همکاران، ۱۴۰۰).

### معیارهای پیشرفت تحصیلی

در مورد معیارهای پیشرفت تحصیلی می‌توان گفت که پیشرفت یا موفقیت تحصیلی از راه‌های مختلف و با معیارهای متفاوت مشخص می‌شود. یکی از این معیارها، معدل دانش‌آموزان در یک نیم سال تحصیلی و محاسبه معدل یک سال وی است. معیار دیگر مشخص کردن پیشرفت تحصیلی، محاسبه نمرات دانش‌آموزان در یک درس است. شیوه دیگر، استفاده از مجموعه نمرات دروس یک سال می‌باشد و معیار آخر تعیین پیشرفت تحصیلی در طی چند سال و یا یک دوره تحصیلی است. اگر یک نمره از یک دوره تحصیلی یا میانگین از یک گروه از دروس مختلف در حیطه موضوعی خاص یا میانگینی از دوره‌های مختلف تحصیلی، ملاکی برای پیشرفت تحصیلی باشند، این ملاک‌ها مسائل و مشکلات تشخیصی را به دنبال خواهد داشت؛ مثلاً کاربرد یک نمره واحد از یک دوره تحصیلی ویژه دارای روایی و پایایی کم‌تری است تا نمره‌ای که بر اساس ترکیب چند نمره به دست می‌آید. کاربرد نمره‌های به دست آمده از دوره‌های مختلف تحصیلی در موضوعات مختلف نیز به منظور به دست آوردن معدل نمرات کلاس مسأله ای دشوار است، زیرا این گونه نمرات شامل نمراتی است که از دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی

متفاوت به دست آمده‌اند و در یک مقیاس واحد ترکیب شده‌اند، در صورتی که هر یک از دانش‌آموزان می‌توانند، سطوح متفاوتی از پیشرفت را در هر موضوع داشته باشند (مهدی مقدم، ۱۴۰۱).

### عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

سال‌های متمادی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روانشناسان اجتماعی مطالعات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام داده و همیشه این موضوع در نظر آنها مطرح بوده است؛ چرا که پیشرفت تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می‌شود و پژوهش‌های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می‌توانند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر داشته باشند، مانند خانواده، محیط زندگی، مدرسه و برنامه‌های آموزشی اختصاص یافته است (قاجاریه، به نقل از کاظمی، ۱۳۹۹).

مطالعه عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی مسأله پیچیده‌ای است؛ چرا که پیشرفت، عنصری چند بعدی است و به گونه‌ای ظریف به رشد جسمی، اجتماعی، شناختی و عاطفی دانش‌آموزان مربوط است. در گذشته بسیاری از پژوهشگران روی تأثیر توانایی‌های ذهن و شناختی بر پیشرفت تحصیلی تأکید می‌کردند. به طور کلی، عواملی که بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- عوامل فیزیولوژیکی: این عوامل شامل متغیرهای بدنی و فیزیکی یادگیرنده از جمله سوء تغذیه و سلامت جسمانی می‌شود.
- ۲- عوامل روانشناختی: این عوامل شامل متغیرهای روانشناختی از جمله: استعداد، خلاقیت، خودپنداره، عزت نفس، نگرش نسبت به مسایل آموزشی، انگیزه پیشرفت، امکان کنترل و ویژگی‌های شخصی دیگر می‌شود.
- ۳- عوامل محیطی: این عوامل در برگیرنده متغیرهای بیرونی شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی (درآمد، تحصیلات، محل زندگی)، متغیرهای مربوط به خانواده (تعداد افراد خانوار، سبک فرزندپروری والدین، ارزش‌های فرهنگی خانواده) و متغیرهای مربوط به محیط مدرسه (شرایط مدرسه، مدیریت مدرسه، نگرش ویژگی‌های معلمان، فرهنگ و جو سازمانی مدرسه) می‌شود (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

### نکاتی که در آموزش معلمان باید به منظور پیشرفت بیشتر رعایت کنند:

- معلمان ضمن حفظ رابطه مناسب معلم شاگردی، همواره با تک تک دانش‌آموزان برخوردی صمیمانه داشته باشند.
- معلمان به جای این که در مقابل و یا برای دانش‌آموزان کار کنند همراه آنان کار می‌کنند.
- ارتباطات متقابل مفید مستلزم مسئولیت دادن به دانش‌آموزان و حفظ احترام آن‌هاست. برای ایجاد چنین ارتباطی در دوره‌های متوسطه، لازم است که با دانش‌آموزان چون بزرگسالان رفتار شود.
- معلمان به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند.
- معلمان باید وقت بیشتری را صرف ارتباط متقابل و کار مستقیم با آنان کنند.
- معلمان شوخ طبع باشند، و به لطیفه‌گویی تمایل دارند (بیگم حائری زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

### بحث و نتیجه‌گیری

برخی پژوهشگران معتقدند که مهمترین عامل در فرایند یادگیری و یاددهی، دانش‌آموزان هستند (کدیور، ۱۳۹۵). توجه آن‌ها این است که دانش‌آموز بایستی سر کلاس حضور فعال داشته باشد، تکالیف خود را به نحو احسن انجام دهد، در فعالیت‌های خارج از کلاس شرکت کند تا یادگیری اتفاق بیفتد. برخی پژوهشگران معتقدند که معلم نقش اول را در کلاس ایفا می‌کند. معلم بایستی مطالب درسی را به حالت معناداری ارائه دهد تا دانش‌آموزان آنرا یاد بگیرند. او باید دانش زمینه‌ای



دانش‌آموزان را تقویت کند که بر اساس نظریه استیفن کرشن (۱۹۸۴) ورودی اطلاعات بعلاوه یک باشد یعنی اندکی از سطح دانش کنونی دانش‌آموز سخت‌تر باشد تا دانش‌آموزان بتوانند آنرا به راحتی درک کنند. معلم بایستی دانش‌آموزان را تشویق کند تا در بحث‌های کلاسی فعال باشند. به هر حال پژوهشگران اخیر معتقدند که نقش هر دو مهم است و این بستگی به موقعیتی دارد که ما تصمیم بگیریم کدام یک نقش اساسی‌تری دارند. در داخل کلاس نقش معلم مهم‌تر است اما در بیرون از کلاس نقش شاگردان مهم‌تر است. چون که دانش‌آموزان بایستی بر اساس نیاز و علاقه سر کلاس حاضر شوند و تکالیف را انجام دهند (کدیور، ۱۳۹۵).

به طور کلی می‌توان گفت معلم و شاگرد رابطه دو جانبه و تفکیک ناپذیری را با هم دارند. از عوامل موثر در این رابطه می‌توان از نقش عوامل شناختی یعنی دانش معلم و عوامل احساسی یا نحوه تشویق و ترغیب دانش‌آموزان در کلاس نام برد. از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که یادگیری لازم برای مواجهه با آینده فراتر از یادگیری صرفاً مبتنی بر کسب دانش است که در مدارس سنتی رایج می‌باشد.

از طرفی وجود تفاوت‌های فردی در بین دانش‌آموزان امری بدیهی و غیرقابل انکار است و یادگیرندگان مختلف با سرعت‌های متفاوت می‌آموزند. روش آموزش معلم باید به گونه ای طرح‌ریزی شود که دانش‌آموزان بتوانند با سرعت متفاوت با توانایی‌های خود پیش بروند. بعضی از یادگیرندگان نیاز به توجه و کمک بیشتری از سوی معلم دارند و لازم است تکالیف و تمرین‌های بیشتری انجام دهند تا به هدف‌های آموزشی درس مسلط گردند، در حالی که برخی از آن‌ها با اندک راهنمایی می‌توانند، راه خود را بیابند و سریعاً به مقصد برسند. معلم باید در اجرای روش‌های آموزشی خود تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را در توانایی و سرعت یادگیری در نظر گیرد و فنون آموزشی متناسب با آن‌ها را در مورد استفاده قرار دهد. بنابراین وجود تفاوت‌های فردی در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند که در مورد هر کس از روشی مناسب با روحیه او استفاده کنیم و اگر روشی درباره فرد یا افرادی کارساز بوده آن را به همه یا خصوصیات متفاوت تعمیم ندهیم و از برخوردهای کلیشه‌ای در تعلیم و تربیت پرهیز نماییم. امروزه، نظام‌های آموزشی از ارکان مهم توسعه در جوامع به شمار می‌آیند و اصولاً جوامع، اهداف و آرمان‌های خود را از طریق تأسیس این نظام‌ها دنبال می‌کنند. با این تعبیر، آموزش و پرورش را می‌توان الگوی کلی نهادها و مؤسسات موجود در جامعه قلمداد نمود، که می‌توان رشد و توسعه جوامع را در گروهی رشد و توسعه آن ممکن دانست. میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از شاخص‌های موفقیت در فعالیت‌های علمی مورد توجه نظام آموزش و پرورش هر کشوری است. بنابراین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در تمامی سطوح آموزش و پرورش، هدف اصلی است. پیشرفت تحصیلی از مهم‌ترین معیارهایی است که در پیش‌بینی وضعیت آتی فراگیران از لحاظ کسب صلاحیت و مهارت‌های علمی و عملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. که دانش‌آموزان از دوره پیش دبستانی تا ورود به دانشگاه طی می‌کنند؛ موانعی بر سر راه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. از این رو، معلمان و مدیران مدارس زمان و انرژی بسیار برای طراحی سازوکارهای متنوع برای تأثیرگذاری مثبت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان صرف می‌کنند. محققان بسیاری متغیرهای مربوط به ویژگی‌های معلمان را در ارتباط با عملکرد دانش‌آموزان مورد توجه قرار داده‌اند. معلم یکی از مهم‌ترین عناصر شناخته شده‌ای است که ارتباطی تنگاتنگی با دانش‌آموزان و پرورش استعدادهای گوناگون آنان دارد.

## منابع:

- اسدی‌گرمارودی، اسدالله؛ شریف‌زاده، علی (۱۳۹۳). دانشگاه فرهنگیان قله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (واقع نگاری تاسیس) تهران: انتشارات مدرسه.
- آقایی، کیمیا؛ سلیمان فام، مریم؛ جباردخت بنایی، نگین و جعفری کلپیر، فاطمه (۱۴۰۰). نقش برنامه‌ریزی درسی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. هشتمین کنفرانس بین المللی در روانشناسی علوم تربیتی و سبک زندگی، تهران. <https://civilica.com/doc/1308595>
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۰). نقش‌های معلم. نشریه ماهانه آموزشی-تربیتی پیوند، ۲۶۰، ۵۹۲-۵۸۰.

- بیگم حائری زاده، خیریه و محمدحسین، لیلی (۱۳۹۷). ویژگی های معلم موثر. تهران: نشر قطره.
- تقی پور، حسینعلی؛ کشاورز لشکناری، روح اله و یوسف رشیدی، علی اصغر (۱۳۹۶). دانش محتوایی روش های معلمی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. نهمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/1375733>.
- حجازی، اسد؛ ساکی، رضا؛ هاشمی، اسدالله و یوسلیانی، غلامعلی (۱۳۹۹). بررسی سهم معلمان در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم نظری بر پایه داده های امتحانات کشوری. نشریه علمی فناوری و آموزش، ۱۴ (۵۶)، ۹۷۱-۹۸۰.
- حصاری، مرتضی؛ خزایی، نورخدا و عمادی نوری، مهدیه (۱۳۹۸). فرایند بهبود روند آموزش: نقش معلم در مقابل نقش دانش آموزان. مجله نخبگان علوم و مهندسی، ۴ (۶)، ۳۹-۳۴.
- خنیفر، حسین (۱۳۹۵). نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- رضایی، منیره (۱۳۹۶). نقش معلم در آموزش/تدریس. تهران: مجموعه دانشنامه ایرانی برنامه درسی.
- رووف، علی (۱۳۹۷). جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت واحد انتشارات.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۳). فرهنگ علوم و فناوری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاظمی، یوسف (۱۳۹۹). نقش معلمان بر فرایند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. اولین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، میناب.
- کدیور، پروین (۱۳۹۵). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
- گیج، ناتالی لیز (۱۳۷۴). مبانی علمی هنر تدریس. ترجمه محمود مهرمحمدی، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- معجز، نسیم؛ قربانی، الناز و رحیمی، عظیمه (۱۳۹۶). تفاوت های فردی در یادگیری و آموزش. اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی، تربیتی علوم انسانی و روانشناسی، تهران، ایران.
- مهدی مقدم، امیرحسین؛ غلامی، زهرا؛ غفوری، امید و حسینی ریزی، محمد (۱۴۰۱). بررسی نقش معلم در پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۵ (۵۳)، ۲۳-۹.
- Badri, A. & Nazari, J. (2014). The effects of Task Features (Topic Importance) on Improving Iranian EFL Learners' Listening Comprehension. *International Journal of Educational Investigations*, 1, 111-12.
- Brown, H. D. (2007). *Principles of Language Learning and Teaching*. Pearson Education Incorporated.
- Chastain, K. (1988). *Developing second language skills: Theory and practice*. 3rd ed. San Diego: Harcourt Brace Jovanovich.
- Dessus, P., Mandin, S., & Zampa, V. (2008). *What is teaching? Cognitive-based tutoring principles for the design of a learning environment*, In S. Tazi & K. Zreik (Eds.) *Common innovation in e-learning, machine learning and humanoid (ICHSL.6)*, pp. 49-55
- Fenstermacher, G. D. (1986). *Philosophy of Research on Teaching: Three Aspects*, in *Handbook of research on Teaching*, Edited by Merlin C. Wittrock, 3ed.
- Jenkins, J. (1999). *Teaching for tomorrow the changing role of teachers in the connected classroom*, open Classroom Conference.
- Krashen, S. (1984). *The Input Hypothesis and its rivals in N. Ellis (Ed.)*. Implicit and Explicit Learning of Language. London: Academic Press.
- Oxford, R., & Ehrman, M. (1988). Psychological type and adult Language Learning Strategies: A Pilot study. *Journal of psychological type*, 16, 22-32.
- Willis, D., & Willis, J. (2017). *Doing task-based teaching*. Oxford: Oxford University Press.
- Yule, G. (2006). *The study of language*. 3rd ed. Cambridge university press.